

# خبرنامه موسسه توانمند سازی مهروماه بهار و تابستان سال ۱۳۹۹



### فهرست مطالب

مهروماه..... ۴

کودکان..... ۱۷

زنان و خانواده..... ۲۴

داوطلبان..... ۳۱

بوی ماه مهر..... ۳۶

به روایت تصویر..... ۳۹

### نویسندگان:

سمانه گلاب  
شهرلا ریاضتی  
افسانه جلیلیان  
سحر قدوسی

### مدیر اجرایی:

آرزو دیداری

### صفحه آرا:

بهناز شعبانزاده

### عکاسان:

زهرا صادقی  
مهتاب قنبرزاده  
و سایر همیاران موسسه

**آینده از آن زنان و کودکانی خواهد بود که امید  
به فردا در دلشان زنده شده است.**

هرچند هر سال را با بهاری زیبا و نفسی تازه شروع می‌کردیم اما امسال تفاوت زیادی با همیشه داشت. سال ۹۹ با بحرانی آغاز شد که تا بدین لحظه انتظار پایان آن بیهوده بوده است. بحرانی که پس از بحران‌های پی‌درپی زندگی همه مردم را تحت الشعاع قرارداد. بحران شیوع ویروس کووید ۱۹ در سراسر جهان و همه‌گیری این بیماری و خبرهای ناخوشایند آن بر زندگی همه مردم بخصوص اقشار آسیب‌پذیر سایه انداخت و رفته‌رفته بر آسیب‌های ناشی از بیکاری و تنگدستی و فقر روزافزون افزود. سبد خانواده‌ها کوچک و کوچک‌تر شد و سفرها خالی‌تر. در این شرایط وظیفه ما سازمان‌های مردم‌نهاد فعال در حوزه آسیب‌های اجتماعی سنگین‌تر و نقشمان پررنگ‌تر شد. مأموریت موسسه مهرماه کاهش آسیب‌های اجتماعی از طریق آموزش و توان‌افزایی خانواده‌ها بوده و در این چند سال با ارائه خدمات مددکاری اجتماعی و روانشناسی و آموزش‌های رسمی و غیررسمی و ایجاد اشتغال در جهت توان‌افزایی زنان و کودکان در معرض آسیب تلاش کرده است. بحران کرونا در کشور ما توأم با بحران‌های اقتصادی و اجتماعی ناشی از تحولات داخلی و خارجی اثرات مخرب بیشتری بر اقتصاد خانواده‌ها داشته است و در این میان اعضای مهرماه با تمام قوا در جهت کاهش آسیب‌ها سنگ تمام گذاشتند. روزهای قرنطینه که همه برای حفظ جان خود در خانه‌ها ماندند مددکاران و روانشناسان ما برای کمک به خانواده‌ها حضوری چشمگیر داشتند. اهدای لوازم حفاظتی و بهداشتی در دوره‌های مختلف، اهدای کمک‌های معیشتی به خانواده‌هایی که به خاطر شرایط ویژه هیچ‌پس‌اندازی برای گذران زندگی نداشتند و مشاوره‌های فردی به خانواده‌هایی که در شرایط بحران دچار مشکلات روحی و روانی فراوانی شده بودند بخشی از فعالیت همکاران موسسه در این مدت بود. کادر آموزشی موسسه از همان اسفند سال گذشته کلاس‌های آنلاین خود را یکی پس از دیگری شروع کرد و تجربه‌های ارزشمند این دوره‌ها چراغ راهنمای آموزش‌های مجازی در سال جدید تحصیلی شد.

همان اندازه که آموزش کودکان در شرایط بحرانی دارای ارزش است باید به روح و روان کودکان نیز در شرایط بحران توجه کرد و این موضوع دلیل فعالیت بیشتر اعضای موسسه مهرماه در شرایط بحران فعلی است. حفظ ارتباط با خانواده‌ها در شرایط بحران و کمک به ایجاد اشتغال مهم‌ترین فعالیت‌هایی بود که در دستور کارمان قرار گرفت.

گروه فعال بلوچستان در بدترین شرایط چندین سفر به منطقه داشته تا بتواند هم در جهت کمک به کاهش بحران‌های ناشی از کرونا و هم ایجاد صندوق‌های همیاری فعالیتش را ادامه دهد. حضور در بلوچستان برای همه ما درس‌های بزرگی داشت و بیشتر به این باورمان ایمان پیدا کردیم که باید بسازیم و باهم بسازیم و زیبا بسازیم. بلوچستان دوباره زیبا خواهد شد با من و تو.

اما این فقط کرونا نبود که بحران ایجاد کرد. فشارهای ناشی از بحران‌های اقتصادی کشور و سیاست‌های نامناسب مسئولان در قبال کودکان کار و نداشتن برنامه مناسب حمایت از اقشار آسیب‌پذیر در شرایط قرنطینه و سوء مدیریت آموزش و پرورش برای شروع سال تحصیلی جدید و جا ماندن ۳/۵ میلیون کودک از برنامه‌های آموزشی شبکه شاد فشار روحی و روانی را آن‌قدر بالا برد که این روزها خبر سومین خودکشی کودک دانش‌آموز به دلیل مسائل تحصیلی را می‌شنویم و این اخبار تلخ در میان اخبار و آمار وحشتناک فوتی‌های ناشی از کرونا گم می‌شود و باز همان شیوه ادامه پیدا می‌کند. گویا مسئولین این جامعه قرار نیست بیدار شوند.

## مهر و ماه در یک نگاه

آغاز سال ۱۳۹۹ با چالشی جدی همراه بود؛ شیوع ویروس کرونا در فصل زمستان پیامدهای مهمی هم در عرصه اجتماعی و هم در عرصه اقتصادی داشت. نهادهای مردم‌نهاد فعال در حوزه آسیب‌های اجتماعی نیز از این پیامدها مصون نبودند. مشکلات اقتصادی از جمله پیامدهای شیوع این ویروس بود. تقاضا برای مشاغل خدماتی و غیررسمی که طبقات آسیب‌پذیر جامعه بیشتر از این طریق امرار معاش داشتند در ماه‌های نخست شیوع، با کاهش چشمگیر روبه‌رو بود که این موضوع تأمین حداقل‌های زندگی را برای این طبقات سخت‌تر و در مواردی غیرممکن کرد. در این مدت مشکلات اجتماعی نیز همپای مشکلات اقتصادی تشدید شد. اگر در گذشته حضور کودکان در معرض آسیب در مدارس یا کلاس‌های آموزشی آنها را برای ساعتی در روز در فضای امن قرار می‌داد و امکان پیگیری و رصد وضعیت آنها را فراهم می‌کرد، تعطیلی ناشی از کرونا این فرصت را گرفت و این در حالی بود که گزارش‌ها نشان می‌داد آسیب‌های اجتماعی در این مدت افزایش داشته است. در چنین شرایطی مهروماه در سال ۹۹ برنامه کاری ویژه‌ای هم در حوزه کودکان و هم در حوزه زنان و خانواده برای خود تعریف کرد. آموزش مسائل بهداشتی، آموزش به خانواده‌ها برای کمک به فرزندان با هدف آموزش از راه دور، تأمین بخشی از نیازهای بهداشتی-معیشتی با رویکرد محله‌محور و ارائه مشاوره‌های روانشناسی برای عبور کم‌آسیب‌تر از دوره بحرانی بخشی از فعالیت‌های موسسه در شش ماه نخست سال بود. آنچه در ادامه می‌آید خلاصه‌ای از فعالیت‌های مهروماه در این مدت است.

## آموزش

آموزش از اصلی‌ترین حوزه‌های فعالیت مهروماه از زمان تأسیس بوده است. فعالیت‌های آموزشی به طور کلی در ۵ حوزه پیش دبستانی، حمایت تحصیلی، بازماندگان تحصیل، آموزش‌های مکمل و سوادآموزی دنبال می‌شود. در سال ۱۳۹۹ به دلیل پیشگیری از شیوع کرونا آموزش‌ها به صورت مجازی و در موارد لزوم با تعداد کم به صورت حضوری و با رعایت اصولی بهداشتی پیش برده شد.

**پیش‌دبستانی:** پیش دبستانی مهروماه در سال ۹۹ کلاس‌های خود را به صورت غیرحضوری برگزار کرد. ۶۰ کودک در این دوره در کلاس‌های پیش دبستانی در ۴ گروه مختلف



شرکت داشتند و از آموزش‌ها بهره‌مند شدند. برنامه‌های آموزشی این دوره عموماً بر محورهای سلامت و بهداشت، تقویت اعتماد به نفس، مراقبت از خود، ترویج کتابخوانی، ترویج مشارکت، مهارت‌های زندگی، توسعه

فعالیت‌ها بر پایه حرکات بدنی و توجه به محیط زیست طراحی شد. در طول تابستان نیز کودکان این امکان را داشتند که در دوره‌های خانه فرهنگ شرکت کنند. همچنین برخی از کودکان برای یادآوری و تقویت آموزش الفبا برای ورود به کلاس اول در تابستان آموزش تکمیلی دیدند. در مدت آموزش غیرحضوری مربیان پیش‌دبستانی ارتباط خود را با مادران کودکان نیز بیشتر کردند و با آموزش به مادران آنها را نیز در فرایند آموزشی کودکان شرکت دادند. در مردادماه نیز هدایای پایان دوره به کودکان تقدیم شد تا با یادی خوش قدم در مدرسه بگذارند.

مهروماه با هدف ارتباط بهتر با کودکان و خانواده‌های آنها از خدمات مربیان محلی بهره می‌برد. این مربیان با هدف ارتباط بهتر با کودکان و خانواده‌های آنان دوره‌های آموزش تکمیلی را زیر نظر مهروماه و موسسات آموزشی غیر حضوری می‌گذرانند. بررسی نتایج عملکرد کودکان در دوران دبستان نشان می‌دهد آموزش‌های پیش‌دبستانی باعث تقویت مهارت‌های اجتماعی کودکان، پذیرش بهتر در مدرسه و پیشرفت در دروس شده است که در نتیجه این روند سرخوردگی از تحصیل که عمدتاً کودکان با آموزش‌های کمتر را تحت تأثیر قرار می‌دهد در مورد این کودکان کمتر اتفاق افتاده است.

**حمایت تحصیلی:** متأسفانه پولی‌شدن آموزش در کشور حتی در سطح آموزش‌های ابتدایی باعث شده مشکلات مالی مانعی بر سر راه تحصیل بسیاری از کودکان باشد. ما در مهروماه

یکی از اهداف اصلی خود را حمایت از کودکانی قرار دادیم که فقر می‌توانست مانع تحصیل آنها باشد. موسسه با جذب حمایت‌های مردمی تلاش می‌کند این کودکان را در



مسیر آموزش‌های رسمی قرار دهد. با این وجود فعالیت‌های موسسه تنها محدود به حمایت‌های مالی نیست و وضعیت تحصیلی کودکان، شرایط خانوادگی، سلامت و نیازهای احتمالی کودکان به

مشاوره‌های روانشناسی و مددکاری نیز دائماً رصد می‌شود. در صورتی که کودک نیاز به آموزش‌های مکمل و کلاس‌های تقویتی نیز داشته باشد با تکیه بر همت داوطلبان موسسه این آموزش‌ها در اختیار کودکان قرار می‌گیرد. همچنین گزارش‌های منظم از وضعیت کودکان برای حامیان آنها ارسال می‌شود تا ارتباط دوطرفه بین کودکان و حامیان به واسطه موسسه برقرار باشد. در سال تحصیلی ۹۸-۹۹ تعداد ۲۲۳ کودک با این روش تحت پوشش طرح حمایت تحصیلی مهروماه بودند.

بازمانده از تحصیل: با وجود تمام تلاش‌هایی که موسسه داشته و دارد تا همه کودکان تحت پوشش خود را در مسیر آموزش رسمی قرار دهد اما هر سال هستند کودکانی که به دلایل مختلف از جمله کبر سن، نداشتن اوراق هویتی و در مواردی اجبار به کار از

تحصیل بازمانده‌اند. در سال‌های نخست فعالیت مهروماه موسسه مستقیماً وظیفه آموزش این کودکان را به عهده می‌گرفت اما در دو سال گذشته با کمک مدرسه رهیبار، کودکان بازمانده از تحصیل در ساعت عصر در مدرسه و زیر نظر معلمان مدرسه و با حضور داوطلب از طرف موسسه آموزش می‌بینند. در



سال تحصیلی ۹۸-۹۹ تعداد کودکان بازمانده از تحصیل نسبت به سال‌های قبل افزایش قابل ملاحظه داشت و ۶۴ دانش‌آموز تحت پوشش موسسه قرار گرفتند. با شیوع ویروس کرونا آموزش این کودکان به صورت مجازی دنبال شد که البته با مشکلاتی همراه بود. در ابتدا تلاش شد از وضعیت کودکان و امکانات در دسترس برای آموزش مجازی اطلاع کسب شود. بررسی‌های ابتدایی نشان داد تنها ۱۲ کودک امکان دسترسی به شبکه‌های مجازی برای تشکیل گروه‌های آموزشی را دارند. با پیگیری‌های انجام شده و ترغیب سایر خانواده‌ها به معرفی شماره‌ای که امکان ارتباط مجازی را داشته باشد در پایان فروردین ماه امکان برقراری ارتباط با ۳۶ کودک میسر شد. والدین کودکان نیز با وجود بیسوادی و یا کم‌سوادی تلاش فوق‌العاده‌ای برای پیشرفت بچه‌ها نشان دادند. همچنین تلاش بر این بود ارتباط با سایر کودکان نیز قطع نشود و از طریق تلفن وضعیت آنها پیگیری شد. متأسفانه امکان ارتباط با ۱۰ کودک نیز فراهم نشد.

در تابستان با هماهنگی با مدرسه رهیار ۳۶ کودک در گروه‌های سه تا ۴ نفره با رعایت کامل نکات بهداشتی ساعاتی را در مدرسه حضور پیدا کردند تا از ارتباط مستقیم با معلم که اشتیاق بالایی برای آن نشان می‌دادند دور نمانند. در نهایت ۳۴ نفر از ۳۶ کودک در آزمون پایان دوره قبول شدند و به پایه بالاتر رفتند، ۲ نفر نیز تجدید پایه شدند. **آموزش‌های تکمیلی:** نیاز به آموزش‌های تکمیلی در ماه‌های پایانی سال تحصیلی و هم‌زمانی با امتحانات پایان سال همیشه با افزایش روبه‌رو بوده است. این نیاز در ماه‌های ابتدایی سال ۹۹، به دلیل غیرحضور شدن دوره‌های آموزشی و تعطیلات گسترده در



طول سال تحصیلی بیش از پیش احساس می‌شد. برای این منظور با تکیه بر همکاری داوطلبان مهر و ماه کلاس‌های تقویتی به ویژه در دو درس ریاضی و زبان و به دو صورت مجازی و حضوری با تعداد محدود برای کودکانی که درخواست دوره داشتند برگزار شد و نزدیک به ۴۰۰ نفر-کلاس از خدمات آموزش تکمیلی بهره‌مند شدند.



**سوادآموزی:** کلاس‌های سوادآموزی مهروماه محملی است برای زنان؛ زمانی که در دوران کودکی از حق تحصیل محروم مانده بودند اما حالا می‌خواهند توانایی‌های خود را ارتقا دهند، بخوانند و بیاموزند. شیوع ویروس باعث شد این کلاس‌ها نیز به صورت غیرحضوری برگزار شود. برای این منظور با سوادآموزانی که می‌توانستند در شبکه‌های اجتماعی حضور پیدا کنند پنج گروه مجازی تشکیل شد. از آنجایی‌که این سواد آموزان از مهر تا اول اسفند در کلاس‌های حضوری شرکت داشتند معلم‌ها نسبت به آنها شناخت کافی پیدا کردند و امکان

ارتباط مجازی فراهم بود. با هماهنگی‌هایی که انجام گرفت در پایه اول ۱۸ نفر، در پایه دوم و سوم ۲۷ نفر، در پایه انتقال ۵ نفر، در پایه ششم ۳ نفر و در پایه هشتم ۱۰ نفر در گروه‌ها شرکت فعال داشتند. با فروکش کردن موج اول کرونا کلاس‌ها هفته‌ای یک بار به صورت حضوری با رعایت پروتکل بهداشتی و با تعداد محدود برای رفع اشکال ادامه پیدا کرد که البته این روند با شروع موج دوم متوقف شد.

طی این مدت با تمامی سوادآموزانی که امکان حضور نداشتند تماس تلفنی نیز برقرار شد و آنها بخشی از مشکلات خود درمورد عدم حضور در کلاس‌های مجازی را مطرح کردند. گرانی روزافزون اجاره خانه عده‌ای را وادار به مهاجرت کرده بود، همچنین بیکاری‌های ناشی از شرایط کرونا و حضور بچه‌ها در خانه و استفاده آنها از موبایل و نداشتن تلفن همراه و هزینه اینترنت موانعی برای حضور زنان در دوره‌های سوادآموزی ایجاد کرد. عموم سوادآموزان تأکید دارند که با برقراری دوباره کلاس‌ها در سال تحصیلی جدید این دوره را ادامه خواهند داد. این شوق و اشتیاق به یادگیری ما را هم برای ادامه این روند دلگرم کرده است.

## مددکاری اجتماعی و روانشناسی

۹



شیوع کرونا باعث شد وظایف مهروماه در حوزه مددکاری اجتماعی و روانشناسی بسیار سنگین تر از پیش باشد. ارتباط گرفتن با کودکان و خانواده‌ها، پیگیری وضعیت اقتصادی و معیشتی، پیگیری وضعیت آسیب‌های خانوادگی که عموماً در دوران کرونا تشدید شده بود و ارائه آموزش‌های لازم برای مدیریت این دوران بخشی از فعالیت‌های مهروماه در حوزه مددکاری اجتماعی و روانشناسی بود.

اگرچه موسسه هیچگاه خود را در قالب نهادهای ارائه‌دهنده کمک معیشتی قرار نداده است اما در برخی مواقع محدودیت در رفع نیازهای ابتدایی به اندازه‌ای تشدید می‌شود که نمی‌توان بی‌توجه از کنار آن عبور کرد. بحران‌های اقتصادی دو سال گذشته و تشدید آن به دلیل کرونا سبب شد خانوارهای بیشتری نیازمند کمک موسسه برای رفع بخشی از نیازهای معیشتی باشند. مهروماه با هدف پوشش این نیازها در عین حفظ کرامت انسانی افراد، طرح بن‌های ارزاق و کالا را ایجاد کرد. در این طرح با برخی از



کاسیان محلی هماهنگ شد تا با پذیرش بن‌های اعطا شده از طرف مهروماه، کالاهای مورد نیاز خانوارها را در اختیار آنها قرار دهند که در مجموع ۷۳ میلیون تومان در قالب بن ارزاق و ۵۷ میلیون تومان در قالب بسته‌های مواد غذایی در اختیار ۴۰۸ خانوار قرار گرفت. علاوه بر این بسته‌های بهداشتی شامل ماسک، الکل، لوازم شوینده و بهداشتی به مبلغ ۲۹ میلیون تومان تهیه و در اختیار ۲۲۰ خانوار قرار گرفت. تهیه بن و هماهنگی با فروشندگان محلی باعث شد هم شأن اجتماعی افراد حفظ شود و هم از تجمع برای خرید پیشگیری شود که در شرایط کرونا یک موضوع حیاتی بود. این مهم نشد جز با سرمایه اجتماعی که مهروماه طی سال‌های فعالیت خود در محله فرزاد به دست آورده است.



مداخله برای کنترل بحران وظیفه دیگری بود که مهروماه در حوزه فعالیت مددکاری اجتماعی و روانشناسی خود به عهده گرفت. بحران اقتصادی، خانه‌نشینی شدن افراد خانواده و نبود چشم‌انداز روشن از آینده باعث افزایش آسیب‌ها در این دوران شده بود. خوشبختانه موسسه در این زمینه مرجع مورد اعتمادی بود که توانست با مداخله مؤثر، بحران‌ها را کاهش دهد و با برگزاری جلسات مشاوره، از سطح تنش در خانواده‌ها بکاهد. انجام بیش از ۶۵۰ جلسه مشاوره، ۲۷۰ مورد تشکیل پرونده و بازدید

حضوری و پیگیری پرونده‌ها، ۳۴۵ مورد ارجاع به مراکز پزشکی و بهداشتی برای حل مشکل در صورت نیاز از دیگر فعالیت‌هایی بود که مهروماه در قالب فعالیت حوزه مددکاری اجتماعی پیش برد.

اشتغال و یادگیری حرفه از جمله نیازهایی است که جامعه هدف مهروماه با آن روبه‌رو است. به همین دلیل در سال جاری و با همکاری کمیته کارآفرینی ۲۵ نفر را برای حرفه‌آموزی و اشتغال در خارج از موسسه، معرفی کرد و بازدید از محل کار نیز به صورت جدی‌تر دنبال شد. این روند کمک می‌کند تا افراد با یادگیری حرفه به مشاغلی که آسیب‌زایی کمتری دارد هدایت شوند.

اگرچه کرونا فعالیت‌های مربوط به دوره‌های آموزشی در قالب کارگاه را محدود کرد اما با توجه به اولویت‌ها و نیازهای جامعه هدف جلسات متعدد برای آموزش مسائل بهداشتی، دوره گروه درمانی برای مادران کودکان کار و حمایت تحصیلی (۱۰ نفر)، کارگاه پیشگیری از ترک تحصیل (۷ نفر)، کارگاه عدم گرایش به اشتغال (۳۲ نفر) و کارگاه خودآگاهی و بهداشت بلوغ دختران نوجوان برگزار شد. همچنین متأسفانه

تشدید شرایط سخت و نبود چشم‌انداز مشخص برای عبور از بحران، باعث آسیب‌های اجتماعی بسیاری شده است و با وجود تلاش‌های شبانه‌روزی در موسسه هنوز نیاز به فعالیت گسترده دیده می‌شود.

## کارآفرینی

فعالیت‌های حوزه صنایع و کارآفرینی موسسه نیز در سال ۱۳۹۹ به شدت تحت تأثیر کرونا قرار گرفت. در سه ماه نخست سال فعالیت‌های آموزشی پته‌دوزی، چرم‌دوزی و چرخ صنعتی تقریباً متوقف شد اما در تابستان به تدریج این دوره‌ها دوباره از سر گرفته شدند. در این مدت تلاش شد برای افرادی که در منزل چرخ خیاطی و دیگر امکانات کار را داشتند شرایطی مهیا شود که این افراد بیش از پیش فعال شوند. ثبت سفارش و تحویل آن به زنان فعال در کارگاه یا خانه به روال قبلی وجود داشت. برگزاری دو نمایشگاه در

این مدت به کوشش کمیته روابط عمومی کمکی بود برای معرفی بیشتر برند مهرسا و البته ثبت سفارش‌های بیشتر برای زنان هنرمند مهرومه.

همچنین در این مدت مهرومه با تکیه بر تلاش‌های مددکاران اجتماعی تعدادی از زنان محل را برای آموزش تولید سنگ‌های زینتی ترغیب کرد و این زنان با شرکت در دوره‌های مربوط مدرک معتبری از آموزشگاه دریافت کردند. در مرحله بعد تعداد ۱۰ چرخ تراش سنگ از سوی موسسه تهیه شد و در اختیار این زنان قرار گرفت. با توجه به شیوع کرونا از آن‌ها خواسته شد که در خانه کار کنند و برای تأمین هزینه‌های زندگی درآمد کسب کنند.



درخصوص مهرچین به دلیل مسائل بهداشتی ناشی از وضعیت جدید و البته مهاجرت بخشی از زنان فعال در این بخش، فعالیت‌ها با کاهش مواجه بود. با این وجود مسئولان این بخش ناامید نبودند و در مدت قرنطینه آموزش‌های مجازی را دنبال کردند. در حال حاضر نیز این گروه با رعایت کامل مسائل بهداشتی به تولید محصول مشغول هستند. امید داریم با بهبود شرایط موجود، فعالیت‌های کارآفرینی موسسه نیز بیش از گذشته رونق یابد.



## فرهنگ و هنر

اگرچه خانه فرهنگ و هنر مهروماه نیز متأثر از شرایط در شش ماه نخست امسال به رونق همیشه نبود اما با تلاش همراهان این خانه کلاس‌های سرود، دف، نقاشی و با من بخوان به صورت مجازی برگزار شد. کودکان و نوجوانان در خانه تمرین می‌کردند، سرود می‌خواندند و صدای آن را برای معلم خود می‌فرستادند و راهنمایی می‌گرفتند. همچنین برای کودکان علاقه‌مند، شطرنج شخصی تهیه شد که بتوانند به صورت مجازی در کلاس‌ها شرکت کنند. بخشی از فرایند آموزش شطرنج به کودکان را نیز دختران و پسرانی به عهده گرفتند که پیش از این دوره‌های آموزشی را در خانه فرهنگ گذرانده بودند و حالا امروز در قامت معلم به دیگر کودکان آموزش می‌دادند.

در تابستان و با فروکش کردن موج اول و دوم کرونا، برخی کلاس‌های موسسه از جمله آموزش زبان انگلیسی، نقاشی و شطرنج به صورت حضوری نیز برگزار شد. از آنجایی که برگزاری این دوره‌ها نقش بسزایی در روحیه کودکان و نوجوانان دارد، حضور کودکان هرچند به صورت محدود می‌توانست به بهبود روحیه آنها کمک کند. برگزاری دوره نجاری برای نوجوانان با هدف مهارت‌آموزی به آنها نیز بخش دیگری از فعالیت خانه فرهنگ مهروماه در تابستان بود.

هرچند حیاط خانه فرهنگ موسسه مانند گذشته شلوغ و پر سر و صدا نیست اما با تکیه بر زحمات یاران، فعالیت‌های خود را ادامه داده‌ایم و نمی‌گذاریم کودکان مهروماه در این روزها تنها بمانند.



## مهر و ماه در بلوچستان



سیل زمستان ۹۸ در بلوچستان ما را فرا خواند تا برای همراهی با هم‌میهنان مهربان خویش به بلوچستان بشتابیم. کمک‌های اولیه را در شهر سرباز روستای گواتامن به مردم رساندیم. با این حال هدف ما از حضور در منطقه، فعالیتی بلندمدت بود تا بتوانیم به توان خود سهمی در بهبود وضعیت گروهی از مردمان این سرزمین داشته

باشیم. برای این منظور، تشکیل صندوق کارآفرینی را هدف قرار دادیم. بحران کرونا باعث شد فعالیت ما در منطقه محدود به ایجاد صندوق‌ها نباشد و در شرایط جدید اقدامی متناسب با نیازهای جدید داشته باشیم. تأسیس یک کارگاه صابون‌پزی نتیجه این تصمیم بود. بحران بعدی که با آن روبه‌رو شدیم، آتش‌سوزی در کپرهای گروهی از حاشیه نشینان در منطقه‌ای به نام جنگل‌کوک بود و شرایط ایجاب می‌کرد به سهم خود تلاشی برای بهبود وضعیت داشته باشیم. آنچه در ادامه می‌آید، گزیده‌ای از فعالیت‌های مهر و ماه در منطقه بلوچستان است.

**صندوق همیاری:** زنان بلوچستان هنرمندانی واقعی هستند، دست‌انشان نقش‌های فوق‌العاده بر پارچه می‌زند و اگر امکاناتی باشد آنها می‌توانند از این توانایی خود برای کسب درآمد و حضور در اجتماع استفاده کنند. صندوق همیاری مهر و ماه با همین



هدف، برای کمک به اشتغال زنان و دختران ایجاد شد. یک صندوق همیاری در روستای آرامکان واقع در ۱۵ کیلومتری شهرستان سرباز تشکیل شد و چهار نفر از زنان منطقه که سوزندوزان ماهر هستند کار خود آغاز کردند.

درک بیشتر ما از شرایط سبب شد بجای تشکیل صندوق‌های پراکنده، اقدام به راه اندازی کارگاه دوزندگی و سوزندوزی در مرکز شهر سرباز کنیم و امیدواریم به زودی شاهد گشایش آن باشیم.

**کارگاه صابون‌پزی:** پروژه دوم در منطقه احداث کارگاه صابون‌پزی بود. برای این منظور مهروماه با همکاری آموزش و پرورش شهرستان سرباز اقدام به راه اندازی کارگاه صابون‌سازی در روستای کواذر شهرستان سرباز کرد. به دلیل شیوع کرونا آموزش‌های لازم برای تولید، به صورت غیرحضوری اما با کیفیت مورد نظر برگزار شد و در نتیجه آن یک ماه پس از شروع کار، اولین بشکه صابون مایع تولید شد. در

حال حاضر نیز سرپرست کارگاه با دو دستیار جوان، بیش از ۳۰۰ کیلوگرم صابون مایع «کولیگ» استاندارد، تولید کردند. کولیگ یعنی پاکیزه و زلال و نام صابونی است که به دست خود مردم منطقه، تولید شده و در اختیار اهالی قرار می‌گیرد. سرپرست کارگاه صابون‌سازی و همکارانش از زنان بومی منطقه هستند. ایشان به همراه دو کودک از سه کودک خردسال خود هر روز از روستا به کارگاه می‌آیند و با مهارت خود در آشنایی با مواد شیمیایی و با همراهی همکارانشان به تولید صابون می‌پردازند. برای تسهیل کار، برای کودک ایشان پارک کودکی فراهم کردیم تا بتواند با توجه به تخصصی که دارند در کنار فرزندشان به کار مشغول شوند.



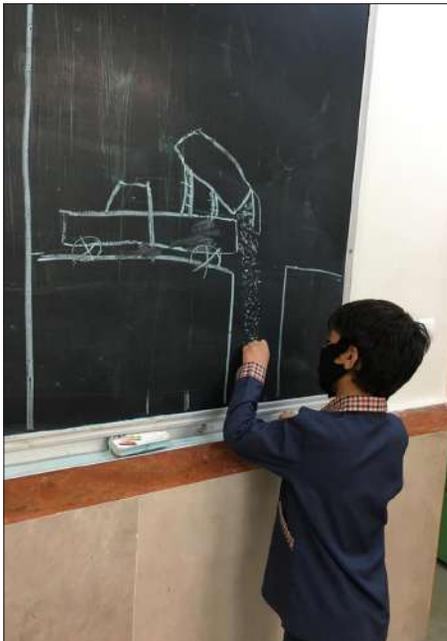
**جنگلوك:** پس از آتش‌سوزی اردیبهشت ماه در منطقه جنگلوك كه باعث نابودی ۲۷ كپر در منطقه شد، مهروماه هم به نوبه خود برای مقابله با این بحران وارد منطقه شد. پس از مطالعه و بررسی نیازهای ساکنین جنگلوك، مهروماه در نهایت تصمیم به ساخت یک حمام و سرویس بهداشتی گرفت. این کار با سرعت انجام شد و نقش مهمی در بهبود وضعیت بهداشتی منطقه بعد از آتش‌سوزی داشت. مهم‌ترین دغدغه مردم منطقه اما نه آتش كه ترس از جدا شدن آنها از یکدیگر بود. ۲۰۰ خانواده‌ای كه در این منطقه زندگی می‌کنند طی زمان شبکه اجتماعی بسیار قوی‌ای ایجاد کرده‌اند كه این شبکه در مواجهه با بحران‌ها و حتی در اداره امور عادی زندگی برای آنها تکیه‌گاه مهمی بوده است. پس از آتش‌سوزی زمزمه‌هایی مبنی بر اسكان افراد در مکان‌های جداگانه شنیده می‌شد كه خوشبختانه با همّت اهالی و پشتیبانی‌های انجام‌شده این اقدام منتفی شد و هم‌اکنون زندگی در جنگلوك از سر گرفته شده است.

مشاهده چند ماهه از منطقه نشان می‌دهد بلوچستان منطقه‌ای كم نظیر با امکانات بالقوه فراوان است و شاید اگر اندکی حمایت از این منطقه وجود داشت نه تنها سرنوشت مردم بسیار بهتر از وضعیت فعلی بود، بلکه می‌توانست كل کشور را بهره‌مند سازد.



## یک سال پر فراز و نشیب

سال تحصیلی ۹۸-۹۹ به پایان رسید. یک سال پر از چالش، پر از هیاهوی بچه‌ها و پر از دستاورد. هر چالشی، فرصتی شد برای تغییر، برای قدم‌گذارن در عرصه‌های جدید. تعداد ثبت‌نامی‌های دانش‌آموزان بازمانده از مدارس دولتی بطور باورنکردنی افزایش یافت. کودکان مهاجری که از یک هفته تا چند ماه بود که به ایران و تهران مهاجرت کرده بودند به امید آینده‌ای بهتر. دیر شروع شدن کلاس‌ها در مدرسه رهیار و تعطیلی‌های پی‌درپی به علت آلودگی هوا، برف و یخبندان و ... و در نهایت کرونا، مسائلی شدن برای به تأخیر افتادن کلاس و درس. اما این مسائل ناامیدمان نکرد بلکه تلاشمان را مضاعف کرد تا راه‌های جدیدی را امتحان کنیم.



راه انداختن گروه‌های مجازی یکی از چالش‌های اساسی بود و نگرانی‌های خاص خودش را داشت، شماره‌ها دست به دست می‌شد. همه خانواده‌های کودکان، گوشی هوشمند که امکان دسترسی به گروه‌های مجازی را داشته باشد را در اختیار نداشتند و در میان آنهایی هم که امکانش را داشتند، بودند افرادی که خیلی با چگونگی استفاده از آن آشنا نبودند و یا دغدغه برای پرداخت هزینه اینترنت با این هدف را نداشتند. برای خانواده‌های نیازمندی که امکان تهیه شارژ را نداشتند وقتی از طرف موسسه شارژ اینترنت دریافت می‌کردند، دیده می‌شد که بیشتر برای سایر مصارف استفاده می‌کنند تا برای درس بچه‌ها.

اما حضور قدم به قدم همکاران موسسه در بخش آموزش که به صورت تلفنی و یا از طریق شبکه‌های مجازی با خانواده‌ها ارتباط می‌گرفتند تا آموزش دهند و روند پیشرفت



کودک را پیگیری کنند و نیز همکاری تنگاتنگ گروه مددکاری - روانشناسی موسسه، توانست مجموعه کارها و تلاش‌های خالصانه‌شان را به ثمر بنشانند و نیمی از دانش آموزان را به سر درس برگردانند. با همکاری مدرسه رهیار و کادر آموزشی مجربش و نیز کلاس‌های آموزشی برای کلاس اولی‌ها در گروه‌های کوچک در موسسه با رعایت پروتکل‌های بهداشتی و حفظ فاصله اجتماعی، کار به انتها رسید.

در روز پایانی، دانش آموزان مرتب و آراسته با شور و هیجان زایدالوصفی در مدرسه رهیار حاضر شدند تا از معلمان و مسئولانی که

در این راه آنها را همراهی کردند، قدردانی کنند و ابراز سرور کنند برای بودنشان در مدرسه و موسسه و نیز امید حضور دوباره‌شان در سال تحصیلی جدید.

مدیر و معلمان مدرسه و موسسه نیز تلاش و کوشش کودکان را برای پیشرفت قدر نهادند و ابراز امید کردند که کودکان با عزمی جزم به رویاها و آرزوهای خود رنگ واقعیت بزنند.

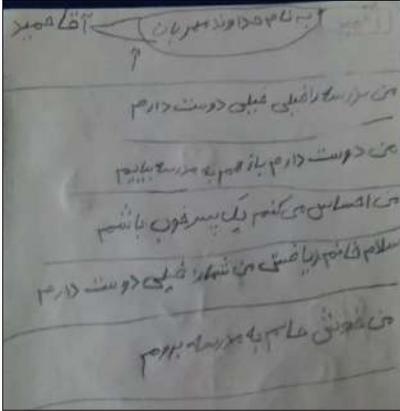
به امید به ثمر نشستگی شکوفه‌های امروز در باغ و بستان «رهیار» و «مهروماه».

## از زبان کودکان

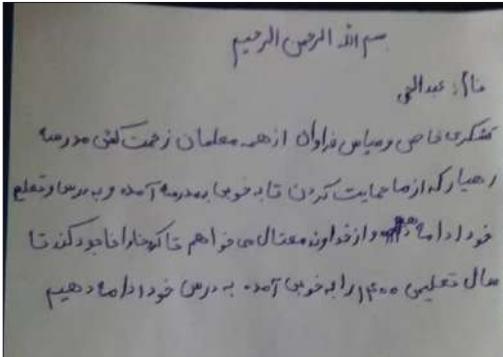
۱۹



کودکان بازمانده از تحصیل عموماً از آسیب‌پذیرترین کودکان در بین فرزندان مهروماه هستند. پیش از این، حضور آنها در ساعات عصر در مدرسه و ارتباط با معلمان مدرسه رهیار و معلمان مهروماه، پناهی بود برای آنها تا شاید اندکی از سختی‌های روزگار فاصله بگیرند. شرایط پیش‌آمده در سال جدید اگرچه این امکان را محدود کرد اما تلاش معلمان باعث شد این ارتباط به صورت مجازی و در دوره‌ای به صورت حضوری ادامه یابد. آنچه می‌خوانید نامه‌هایی است که این کودکان برای معلمان خود نوشته‌اند. این کلمات به خوبی عشق آنان به مدرسه و تحصیل را نشان می‌دهد.

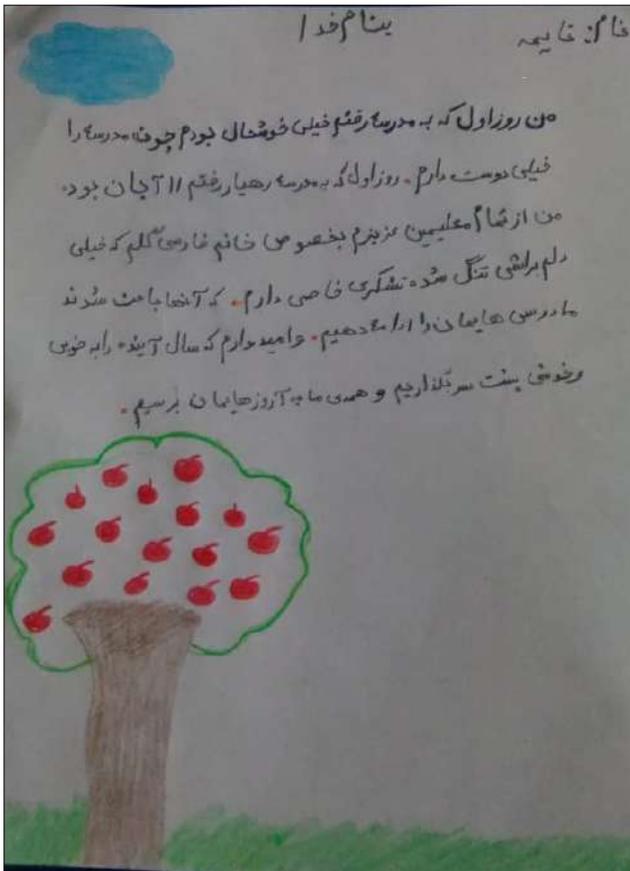


من مدرسه را خیلی دوست دارم. من دوست دارم باز هم به مدرسه بیایم. من احساس می‌کنم یک پسر خوب باشم. سلام خانم معلم. من شما را خیلی دوست دارم. من خوشحالم به مدرسه بروم.



تشکری خاص و سپاس فراوان از همه معلمان زحمت‌کش مدرسه رهیار که از ما حمایت کردن تا به خوبی به مدرسه آمده و به درس و تحصیل ادامه دهیم و از خداوند متعال می‌خواهم تا کرونا را نابود کند تا سال تحصیلی ۱۴۰۰ را به خوبی خود ادامه دهیم.

۲۳ من روز اول که به مدرسه رفتم خیلی خوشحال بودم چون مدرسه را خیلی دوست دارم. روز اول که به مدرسه رهیار رفتم ۱۱ آبان بود. من از تمام معلمین عزیزم به خصوص خانم \*\*\* گلم که خیلی دم برایش تنگ شده تشکر خاصی دارم. آنها باعث شدند ما درس‌هایمان را ادامه دهیم. امیدوارم که سال آینده را به خوبی و خوشی پشت سر بگذاریم و همه ما به آرزوهایمان برسیم.



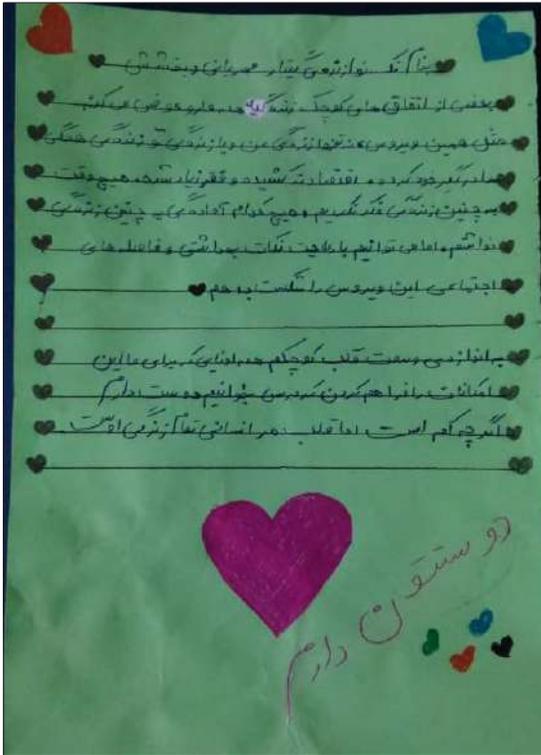
روزی که تمام مدارس تعطیل شد و یک مریضی خطرناک آمد، خیلی ناراحت شدم. دیگه نمی‌تونستم به مدرسه بروم و نمی‌تونم دوستانم و معلمانم را ببینم. بعد از چند ماه یکی از دوستانم به من گفت: به مدت ۶ هفته می‌تونم به مدرسه بروم. خیلی خوشحال شدم و خوابم نمی‌برد. به یاد خاطرات روزهایی افتادم که با دوستانم و معلمانم یکجا درس می‌خوندیم. روزی که به مدرسه می‌رفتم، خیلی خیلی خوشحال بودم.



☞ به نام خداوند نوازنده گیتار مهربانی و بخشش بعضی اتفاقات کوچک زنده‌گی همه ما رو عوض می‌کنه. مثل همین ویروس. نه تنها زنده‌گی من و زنده‌گی تو، زنده‌گی همگی را درگیر خود کرده. اقتصاد ته‌کشیده و فقر زیاد شده. هیچ وقت به چنین زنده‌گی فکر نکردیم. هیچکدام آماده‌گی چنین زنده‌گی نداشتیم. اما می‌توانیم با رعایت نکات بهداشتی و فاصله‌های اجتماعی این ویروس را شکست بدهیم.

به اندازه وسعت قلب کوچک همه اونایی که برای ما این امکانات را فراهم کردن که درس بخوانیم دوست داریم. اگرچه کم است اما قلب هر انسانی تمام زندگی اوست. کتاب خواندن روی صحبت کردن، تصمیم‌گیری، روش فکر کردن و انتخاب آدم‌ها و مسیر

زندگی اثر می‌گذارد و من در دوران بلوغ وارد این گروه شدم و همان‌طور که می‌دانید در این سن انتخاب‌های مهمی را انجام می‌دهد فکر می‌کنم کتاب خواندن به من کمک کرد در این دوره انتخاب‌های هوشمندانه‌تر و عاقلانه‌تری داشته باشم و برای آینده بهتر برنامه بریزم.



## مأمنی برای روزهای سخت

می‌گویند زباله طلای سیاه است اما گویا طلای آن نصیب عده‌ای و سیاهی آن نصیب گروه دیگر می‌شود. کودکانی که هر روز در خیابان‌ها می‌بینیم و به کار جمع‌کردن زباله مشغول هستند و پیمانکارانی که نمی‌بینیم اما می‌دانیم این کودکان وسیله کسب سودهای بزرگ برای آنانند. دره فرحزاد از جمله کانون‌های جمع‌آوری و تفکیک زباله است. ایاز (نام مستعار) کودک ۷ ساله‌ای است که همراه پدرش کار جمع‌آوری زباله انجام می‌دهد. او مشکل شدید تکلم دارد و همین موضوع ارتباط‌گیری با دیگران را برایش مشکل‌تر کرده است. در همین سن کم گاهی خانه را ترک می‌کند و بازفی‌گردد. آخرین بار پس از دو روز بی‌خبری او را در جنوب تهران پیدا کردند. ارتباط با ایاز کار بسیاری سختی است و خانواده نیز با او دچار مشکل شده است. ایاز مدتی است با مهروماه در ارتباط است. اوایل به سختی صحبت می‌کرد

اما هرچه زمان گذشت اعتماد بیشتری پیدا کرد. امروز مهروماه برای او مأمنی شده است تا بتواند گاهی به آن پناه بیاورد. به دلیل شرایط تکلمی و مشکلات رفتاری امکان حضور ایاز در مدرسه وجود ندارد. اما ما امیدواریم که بتوانیم با مشاوره‌های بیشتر او را به وضعیت عادی نزدیک‌تر کنیم. این روزها ایاز لباس‌های تمیز می‌پوشد گاهی وقتی می‌خواهد به موسسه بیاید عطر می‌زند و با مددکار اجتماعی موسسه گفت‌وگو می‌کند. ایاز در دل تاریکی رشد کرده است اما ما تلاش می‌کنیم به سهم خود نوری پیش روی او بتابانیم و کم‌کم چهره زیباتر زندگی را به او بشناسانیم.



بررسی‌های ما نشان می‌دهد در منطقه فرحزاد چند کودک دیگر مشغول به کار زباله‌گردی و تفکیک زباله هستند. تلاش داریم با این کودکان ارتباط بگیریم و شرایط آنها را بهبود ببخشیم. با این حال می‌دانیم تا زمانی که مشکل بزرگتر یعنی فقر خانواده حل نشود تلاش‌ها موفقیت چندانی نخواهد داشت. تعداد ایاز و ایازها هر روز پیش چشم‌مان بیشتر می‌شود. شاید بتوانیم برای ایاز و خانواده‌اش کاری کنیم، شاید بتوانیم خنده را بر لب‌های این کودک بنشانیم اما وضعیت این کودکان بهبود نخواهد یافت مگر با همت مسئولانی که در سطح کلان برنامه‌ریزی دارند. افسوس که امیدها اندک است.

### زنان آغازگر تحول



از روزهای نخست که مهروماه آغاز به کار کرد تا امروز دو هدف اصلی را مدنظر قرار داده‌ایم، حمایت از حقوق کودکان و توانمندسازی زنان. انتخاب هم‌زمان این دو هدف بر اساس شناختمان از وضعیت صورت گرفت. می‌دانستیم، تلاش برای احقاق حقوق کودکان، بازگرداندن آنان به مدرسه و ساختن محیطی

سالم برای آنها جز از طریق آموزش خانواده میسر نیست و در این میان زنان نقشی اساسی دارند. در خانواده‌هایی که کودکان به اجبار فقر به کار اجباری تن داده‌اند، مشکل کار کودک حل نخواهد شد مگر با بهبود وضعیت معیشتی خانواده و در این مسیر توانمندی زنان و هدایت آنان به سمت بازار کار یک راهکار اساسی است. در خانواده‌هایی که پدر خانواده محیط پرتنش را برای همسر و کودکان ایجاد کرده، آموزش زنان می‌تواند آنها را با حقوقشان آشنا کند، راه حل مقابله با مشکلات را به آنها بیاموزد و در نهایت محیط خانه را به مکانی امن‌تر تبدیل کند. در خانواده‌هایی که زنان خود عامل تضييع حقوق کودکانشان شده‌اند، آموزش‌ها و مشاوره‌ها می‌تواند مسیر صحیح را به آنها نشان دهد. تا اینجای کار تلاش‌های بسیاری برای تحقق این هدف داشته‌ایم. موفقیت‌های به‌دست آمده انگیزه ما را برای ادامه مسیر بیشتر می‌کند. انتظار معجزه نداریم اما همین که زنانی می‌توانند خود را باور کنند و تغییر را آغاز کنند برایمان امیدبخش است. داستان زندگی مینا، ماه بانو و رقیه (اسامی مستعار) و تلاشی که برای بهبود زندگی داشته‌اند نمونه‌ای از موفقیت زنانی است که خود را باور کرده‌اند و در مسیر تغییر گام برداشته‌اند.



مینا (نام مستعار) را به واسطه پسر بزرگش می‌شناسیم؛ روزی که امید را برای تشکیل پرونده به موسسه آورد. مینا و خانواده‌اش در کودکی از افغانستان به مشهد مهاجرت می‌کنند. بعد از چند سال دوباره به افغانستان بازمی‌گردند اما بازهم مهاجرت به ایران را انتخاب می‌کنند؛ این بار تهران و دره فرحزاد. مینا گذشته پر فراز و نشیبی دارد. دو خواهر بزرگ‌تر ازدواج کرده‌اند و مینا و برادرش با مادر زندگی می‌کنند. رابطه مینا و برادرش فوق‌العاده است، برادر کار می‌کند و از مینا می‌خواهد در دوره‌های سوادآموزی شرکت کند. می‌خواهد پیشرفت خواهر را ببیند. مادر موافق ازدواج مینا نیست و می‌خواهد دختر کوچک‌تر کنارش باشد. چند سالی می‌گذرد، برادر ازدواج می‌کند و کم‌کم فشار اجتماعی برای ازدواج مینا بالا می‌رود. عزت (نام مستعار) به خواستگاری می‌آید، او قبلاً ازدواج کرده و همسر و پسرانش در افغانستان زندگی می‌کنند. می‌گوید همسرش بیمار است و نمی‌خواهد با او زندگی کند. برادر مخالف این ازدواج است اما مادر و خواهرها تحت فشار اجتماعی به این ازدواج رضایت دارند. مینا ازدواج می‌کند و به خانه مردی می‌رود که از او سال‌ها بزرگ‌تر است و علاقه‌ای در دلش نسبت به او حس نمی‌کند. بد اخلاقی‌های همسر

او را بیشتر آزاد می‌دهد. چندی نمی‌گذرد که مینا باردار می‌شود. امید به دنیا می‌آید، رفتار همسر اندکی بهتر شده اما زندگی هنوز روی خوش ندارد. برادر که تکیه‌گاه مینا بود از ایران مهاجرت می‌کند و پشت او بیش از پیش خالی می‌شود. فرزند دوم به دنیا می‌آید. دختر است. رفتار همسر با دخترک خوب است اما پسر بزرگ دائم مورد بی‌مهری پدر قرار می‌گیرد. او تقریباً از پدرش بیزار شده. اوضاع به همین منوال می‌ماند و پسرها و همسر اول عزت به ایران مهاجرت می‌کنند. حالا اوضاع بدتر است. مرد روزهای هفته را بین دو همسر خود تقسیم می‌کند. افسردگی امید عمیق‌تر می‌شود. مینا به واسطه دوستی با مهروماه آشنا می‌شود و برای ثبت نام امید در پیش‌دبستانی به موسسه مراجعه می‌کند. اینجا آغاز آشنایی ما با این زن رنج‌کشیده است. مینا خیاط خوبی است، کم‌کم در کارگاه مشغول کار می‌شود، دوره‌های مشاوره فردی و گروهی می‌گذارند. تغییر در او آغاز شده است. خودش می‌گوید کم‌کم توانستم حرف بزنم، در مقابل بی‌اخلاقی‌های همسر می‌ایستد،

به جایی می‌رسد که درخواست جدایی می‌دهد بدون ترس از عواقب اجتماعی. مقاومت مرد بر سر حضانت کودکان مینا را از تصمیمش منصرف می‌کند. مینا اگرچه به زندگی مشترک ناخواسته باز می‌گردد اما این بار با گذشته فرق دارد، او قرار نیست زیر بار ظلم مضاعف برود. مینا در حال حاضر در خانه کار می‌کند، چرخ صنعتی که با کمک موسسه خریده است ابزار کار اوست. در کنار خیاطی کارهایی مثل بافت



دستبند را هم انجام می‌دهد. وقتی درآمد دارد، قدرت بیشتری هم دارد. امید به مدرسه می‌رود، حال روحی او بهتر است، خانواده هنوز درگیر مشکلات جدی است، همسر اول و فرزندان شوهر مسائل بسیاری را برای مینا و فرزندان به وجود آورده‌اند. هر دو زن و فرزندان قربانی این مناسبات‌اند اما برای مینا فرصتی پیش آمده که از بار مشکلات بکاهد، حقوق خود را طلب کند و آینده بهتری برای فرزندانش بسازد.

## چرخه باطل خشونت



آشنایی‌ام با ماه‌بانو خوشایند نبود. روزی که برای مصاحبه به همراه دو پسرش آمده بود متوجه شدم روی بدن پسرها رد کبودی‌های شدید است. وقتی از بچه‌ها پرس‌وجو کردم فهمیدم مادر آنها را آزار داده است. به ماه‌بانو رو کردم و او نیز با آرامش

و اعتماد تأیید کرد که من آنها را زدم، دست خودم نیست، حام خوب نیست. سعی کردم به او بفهمانم اگر تا این حد اختیار کنترل رفتار خود را ندارد ممکن است تحت درمان در بیمارستان قرار گیرد و فرزندانش از او گرفته شوند. این حرف باعث شد کمی از موضع خود پایین بیاید و از ما درخواست مشاوره و کمک کرد.

جلسات با ماه‌بانو از سخت‌ترین جلسات مشاوره‌ام بود. وقتی از رفتار پدرش در کودکی می‌گفت نمی‌توانستم درک کنم یک کودک چطور آن روزهای سیاه را تحمل کرده است. پدر ماه‌بانو شش دختر داشت و از داشتن دختر خوشحال نبود. آسیب‌های بدنی فراوان به طوری که هنوز آثار آن روی بدن ماه‌بانو مشخص است بخشی از خاطرات دردناک دوران کودکی این زن است، زنی که هنوز به سی‌سالگی نرسیده اما چهره‌اش رد دردهای زمانه را به تصویر می‌کشد. زمانی که ماه‌بانو خاطرات یا در کلام صحیح‌تر شکنجه‌های کودکی‌اش را برایم تعریف می‌کرد دچار فشار عصبی شدید می‌شد. چندین بار او را به روانپزشک ارجاع دادیم اما به اشتباه حالت‌های او را صرع تشخیص دادند. ماه‌بانو صرع ندارد بلکه یادآوری خاطرات، اضطراب شدید برای او به همراه دارد. او قربانی خشونت خانگی بوده و هنوز هم قربانی است. ماه‌بانو به اجبار با مردی ۶۰-۷۰ ساله ازدواج کرده و از این ارتباط راضی نیست. همسرش، پدر را برای او یادآوری می‌کند. زندگی چنان بر این زن سخت گرفته که چند بار اقدام به خودکشی به روش‌های مختلف داشته است. ماه‌بانو خشم پنهان دارد و این خشم را روی فرزندان پیاده می‌کند

چراکه آنها را مانع رهایی خود می‌بیند. او از رفتارش با فرزندان راضی نیست. بعد از آنکه با پسرها رفتار خشن دارد به ناگهان دچار حالت تکانشی می‌شود و سپس با اعمال خشم روی خودش سعی می‌کند از آنها دلجویی کند.

ماه‌بانو یک درخواست دارد، نمی‌خواهد بچه‌هایش مثل او بزرگ شوند. او جلسات مشاوره خود را ادامه می‌دهد. چند ماهی است پدرش فوت کرده اما از نفرت دختر نسبت به پدر کم نشده است. ما کنار ماه‌بانو و فرزندان‌ش هستیم و تلاش خود را می‌کنیم تا تصویر زیباتری از زندگی پیش روی این زن و فرزندان‌ش قرار دهیم.



## هنر را به کار تبدیل کرده‌ام

کارهای سوزن‌دوزی دستی رقیه کم‌نظیر است. کمتر کسی باور می‌کند دوخت‌های ظریفی که روی تاروپود پارچه‌ها زده شده کار دست است. رقیه سال‌هاست با مهروماه همراه است و در این مدت از هنر و توانمندی‌اش برای کسب درآمد استفاده می‌کند. با او به گفت‌وگویی دوستانه نشستیم تا برایمان از خودش، زندگی‌اش و مسیری که تا امروز طی کرده بگوید. از کودکی می‌گوید: «سه‌ساله بودم که به دلیل جنگ از افغانستان مهاجرت کردیم. اول به پاکستان رفتیم و بعد از چند سال به ایران آمديم. آن زمان در ایران نمی‌توانستیم به مدرسه عمومی برویم و به همین دلیل در مدرسه مخصوص افغانستانی‌ها چند سالی درس خواندم». می‌دانم دختری کوچک دارد، از او درباره دخترش می‌پرسم: «۱۷ ساله بودم که ازدواج کردم، مدتی بعد بچه‌دار شدم. دخترم در کودکی دچار تشنج شد و به همین دلیل تا امروز مشکل تکلم دارد. همسر وقتی دخترم کوچک بود ما را ترک کرد

و من یکتنه او را بزرگ کردم. الآن تحت درمان است و می‌دانم آنکه دردی داده دوايش را هم می‌دهد». امید در کلامش پیدا است. از فعالیت کاری خود می‌گوید و اینکه چطور سوزن‌دوزی را به صورت حرفه‌ای شروع کرده است: «کارهای دستی را ما از کودکی یاد می‌گرفتیم. من هم از مادر و همسر برادرم انواع سوزن‌دوزی را یاد گرفتم. اوایل فقط برای خودم و خانواده و همسایه‌ها به صورت سرگرمی کار می‌کردم اما کم‌کم جدی‌تر به آن نگاه کردم. دخترم انگیزه اصلی من برای این کار بود. وقتی مسئولیت او را داشتم به توانایی‌های خودم باور پیدا کردم و خواستم از آن چیزی که بلدم استفاده کنم.» درباره آشنایی با مهروماه می‌گوید: «از طریق



دوستم با بخش صنایع آشنا شدم. از همان ابتدا شروع به کار و گرفتن سفارش کردم. الآن تقریباً نیمی از هزینه‌های زندگی را از این کار به دست می‌آورم.» اعتقاد دارد هرکس هر هنری را که بلد است می‌تواند به کار تبدیل کند. می‌گوید: «ما زنان باید خودمان را باور کنیم و بدانیم که می‌توانیم به جای تلف کردن وقت برای کارهای دیگر، از توانایی‌هایمان برای کار استفاده کنیم.»

رقیه آرزوهای بزرگ در سر دارد، می‌خواهد مهاجرت کند. می‌گوید: «می‌خواهم صنایع دستی را گسترش دهم. الآن به صنایع دستی به چشم بازار نگاه می‌کنند اما صنایع دستی هنر است و نباید به آن بازاری نگاه کرد.»

در بین صحبت‌هایش سکوت می‌کند، اندکی بعد ادامه می‌دهد: «من خیاطی، قالیبافی، پته‌دوزی، خامه‌دوزی، چرم‌دوزی بلدم و در آینده هرکدام از اینها را می‌توانم ادامه دهم. کار برای من عاری نیست. من کارگری و دست‌فروشی در مترو هم امتحان کرده‌ام. الآن هم با این هنر درآمد دارم و روزی‌ام می‌رسد. می‌خواهم در کنار تلاش برای درمان دخترم به جایی برسم که بتوانم خودم موسسه‌ای بزنم و این هنر را به زنان مانند خودم آموزش می‌دهم.»

با اراده‌ای که در او می‌بینم رسیدن به چنین روزی دیر نیست.



## کرونا و آسیب های اجتماعی

به قلم داوطلب

نهادهایی که در حوزه مسائل اجتماعی فعالیت می کنند بارها نسبت به تشدید آسیب های اجتماعی در نتیجه شیوع ویروس هشدار داده اند. اخبار روزانه مواردی مانند ابتلا به بیماری و متأسفانه از دست رفتن جان افراد در نتیجه ابتلا به این ویروس را به طور دائم پوشش می دهند اما درباره پیامدهای ثانویه این همه گیری کمتر صحبت شده است. مشاهده میدانی ما از وضعیت خانواده ها در محله فرحزاد حکایت از آن دارد که وضعیت زیست خانواده ها تحت تأثیر شرایط جدید بسیار آسیب پذیرتر از قبل شده است. مشکلات اقتصادی باعث کاهش یا حتی قطع درآمد خانوارها شده که این موضوع افزایش درگیری بین والدین را به دنبال داشته است. بدیهی است این درگیری ها کودکان را هم متأثر می کند. متأسفانه

در این مدت در مهروماه شاهد افزایش موارد آسیب جسمی به کودک بوده ایم که پیگیری ها نشان می داد این برخوردها ناشی از فشار اقتصادی بالایی است که به خانوارها تحمیل شده است. ماندن کودکان در خانه، نداشتن ارتباط مؤثر با افراد خانواده، کوچک بودن فضا و نبود امکان بازی و سرگرمی باعث افزایش درگیری بین والدین و کودکان و کودکان با یکدیگر شده است.



افزایش کار کودکان و ازدواج زودهنگام کودکان دو مورد دیگر از آسیب های اجتماعی بود که با آن روبه رو شدیم. زمانی که خانواده در تأمین حداقل های معیشتی دچار مشکل می شود در نهایت کار کودک را به عنوان ابزاری برای امرار معاش می پذیرد. هرچند سیاست گذاران بعضاً کار کودک را در قالب باندهای مافیایی به تصویر می کشند اما واقعیتی که در عمل مشاهده می شود متفاوت است؛ عموم این کودکان در درون خانواده

زندگی می‌کنند و هیچ مافیایی جز فقر آنها را به کار روزانه مجبور نکرده است. علاوه بر این، معضل ازدواج زودهنگام دختران نیز در این مدت تشدید شده است و خانواده‌ها گاه به امید پیشکش‌هایی که دریافت می‌کنند و گاه فقط با امید تعداد نان‌خور کمتر کودکان را به خانه‌ای می‌فرستند که اسمش هرچه باشد خانه بخت نیست.

مهاجرت خانواده‌ها به شهرستان و مهاجرت خانواده‌های افغانستانی به جنوب تهران معضل دیگری بود که در این مدت با آن روبه‌رو بودیم؛ کودکانی که با تلاش بسیار جذب موسسه شده بودند، نیازهای آموزشی خود را تأمین می‌کردند، تحت نظر مشاوران و مددکاران اجتماعی موسسه قرار داشتند حال به یک‌باره باید از این ساختار جدا شوند و زندگی را جای دیگر و در محیطی دیگر ادامه دهند. این تغییر به ویژه اگر با کاهش امکانات در دسترس کودک همراه باشد احتمالاً پیامدهای منفی برای آنها به همراه خواهد داشت.

مهروماه در این مدت تلاش کرد به نوبه خود با ابزارها و روش‌های مختلف، از مداخله در بحران تا ارائه مشاوره، از تأمین ارزاق تا در اختیار قرار دادن ابزار کار خانگی، از آموزش مجازی تا برگزاری دوره‌های آموزش تقویتی، وظیفه‌ای که برای خود تعریف کرده را در این شرایط ویژه به انجام برساند اما به نظر می‌رسد در صورت ادامه این روند و نبود سیاست‌گذاری دقیق برای مقابله با این بحران‌ها حتی در صورت عبور از وضعیت پاندمی پیامدهای اجتماعی آن تا مدت‌ها جامعه آسیب‌دیده را درگیر سازد.





## تمرینی برای حال بهتر

فعالیت‌های مهروماه بر پایه تلاش همکاران و داوطلبانی ادامه یافته که باوجود تمام سختی‌ها کنار ما بودند و ما را تنها نگذاشتند. خانم حسینی از داوطلبان موسسه هستند که در سه سال گذشته به کودکان مهروماه نوازندگی دف را آموختند. امروز گروه دف دختران مهروماه به مرحله‌ای رسیده است که می‌تواند اجرای عمومی داشته باشد. گفت‌وگویی کوتاه با ایشان داشتیم.

### • لطفا خودتان را معرفی کنید و توضیح دهید از چه زمانی و به چه طریقی با مهروماه آشنا شدید؟

من لعیا حسینی مدرس و نوازنده دف هستم. از سال ۱۳۸۱ دف می‌زنم و از سال ۱۳۸۲ تدریس موسیقی را آغاز کرده‌ام و با گروه‌های مختلفی همکاری دارم. سه سال و نیم قبل با مهروماه آشنا شدم. یکی از دوستانم به من اطلاع داد که این موسسه به معلم موسیقی احتیاج دارد. من هم داوطلب شدم و بعد از گفت‌وگویی که با مدیران مجموعه داشتم قرار بر این شد که دوره‌های آموزشی را داشته باشیم. در گام نخست از طریق دوستانم تعدادی ساز تهیه کردم و بعد هم فعالیت آموزشی را آغاز کردیم.

### • در این مدت چه مسائلی باعث شد ارتباط خود را با موسسه حفظ کنید و آن را ادامه دهید؟

نخستین دلیل برای ادامه کار بچه‌ها بودند. اشتیاق آنها به یادگیری آن قدر بالا بود که نمی‌توانستم کار را رها کنم. در این مدت مسائل و مشکلات خودم را داشتم. من عموماً تمام روزهای هفته مشغول کار هستم، محل موسسه نسبت به محل زندگی من دور است و

اوایل برای رفت و آمد اتومبیل نداشتم. سختی رفت و آمد و هزینه‌های آن هم وجود داشت. هماهنگ کردن ساعت کلاس با بچه‌ها نیز کار سختی بود اما در نهایت همه این سختی‌ها با شوقی که بچه‌ها به من می‌دادند قابل تحمل می‌شد. گاهی که من به دلیل مشغله و مسائل دیگر به آنها می‌گفتم ممکن است دیگر نتوانم ادامه دهم نگاه آنها من را منصرف می‌کرد. فکر می‌کردم آموزش موسیقی برای آنها تنها دلخوشی است و من حق ندارم این دلخوشی را از آنها بگیرم. وقتی می‌دیدم آنها با اعتماد به نفس در مدرسه یا مکان‌های دیگر ساز می‌زنند و تشویق می‌شدند من مزد خود را می‌گرفتم.

#### • چه خاطره یا تجربه خاصی در مدت ارتباط با مهروماه در ذهن دارید؟

خاطره بسیار است. ما عموماً سعی می‌کنیم در کلاس علاوه بر آموزش موسیقی به هم کمک کنیم تا حاملان بهتر شود. تمام این لحظات برای من خاطره است. اما دو خاطره همیشه در ذهنم باقی است. یکی مراسم روز معلم که بچه‌ها اجرای عمومی داشتند و از طرف سمن‌های مختلف بسیار تشویق شدند. خاطره دوم هم مربوط به تمام آن روزهایی است که من بدون اتومبیل شخصی به موسسه می‌آمدم. کلاس‌های ما بعدازظهرها بود و در پاییز و زمستان عموماً بعد تاریکی هوا تمام می‌شد. من برای اینکه ماشین بگیرم باید تا جایی پیاده می‌آمدم. بچه‌ها در تمام این روزها من را همراهی می‌کردند و کنار من می‌ماندند

تا ماشین برسد. گاهی از سرما اذیت می‌شدند اما حاضر نبودند من را تنها بگذارند. این برخوردها به من ثابت می‌کرد که اگر من نسبت به آنها تعهد دارم آنها هم خود را در برابر من مسئول می‌دانند و کنار من هستند.



### • به نظر شما فعالیت‌های داوطلبانه چه تأثیری در زندگی فردی دارد؟

دنیای ماشینی ما یک خلأ بزرگ دارد و آن عشق است. عشق چیزی است که دنیای ما به آن نیاز دارد. اگر حاملان بد است، اگر روحیه‌مان پایین است همه از فقدان عشق است. آنچه ما باید تلاش کنیم به آن برسیم، دادن عشق بی‌قید و شرط به یکدیگر است. به نظر من فعالیت داوطلبانه تمرین خوبی برای این مسئله است. هر چیزی بهای خود را هم دارد. باید از استراحت و تفریح و... بگذریم اما وقتی لبخند را روی لب‌های هم می‌بینیم حاملان خوب می‌شود.

در این مدت مشکلات هم بود و گاهی من را دلسرد می‌کرد. گاهی بچه‌ها خسته می‌شدند، گاهی وقتی نمی‌توانستند خوب بنوازند حتی گریه می‌کردند. خیلی‌ها آمدند و رفتند اما این گروه هفت نفره که دوره پیشرفته را می‌گذرانند ماندگار شدند. زمانی که کار را با آنها شروع کردم دختر بچه‌های کوچکی بودند اما امروز آنها بزرگ شده‌اند در کار خود پیشرفت کرده‌اند. من امیدوارم اگر این بچه‌ها نحوه آموزش صحیح را در کنار آموزش فردی یاد بگیرند می‌توانند در آینده در موسسه تدریس کنند و یا حتی مدرس حرفه‌ای این ساز باشند.



## بوی ماه مهر

یک سال تحصیلی دیگر آغاز شد؛ سالی متفاوت از سال‌های قبل. از ابتدای شهریور ماه خانواده‌ها هر روز با پرسشی درباره چگونگی شروع سال تحصیلی جدید روبه‌رو بودند. نامشخص بودن سیاست آموزش و پرورش از یک‌سو و تردید خانواده‌ها برای ثبت نام در مدارس در صورت مجازی شدن آموزش‌ها از سوی دیگر چالش هرساله ما را برای ثبت نام کودکان در مدارس دو چندان می‌کرد. با وجود تمامی مشکلات اما مهرماه توانست در سال جاری نیز مسئولیت‌های خود را در حوزه آموزش کودکان به انجام برساند.

در سال تحصیلی جدید مهرماه با همکاری همیاران خود ۲۱۰ کودک را تحت پوشش طرح حمایت تحصیلی خود قرار داد. وضعیت این کودکان در طول سال از نظر پیشرفت تحصیلی، نیازهای آموزشی و نیازهای تکمیلی (مشاوره، معیشتی و...) بررسی می‌شود و کودکان تحت پوشش همه‌جانبه موسسه خواهند بود.



پیش‌دبستانی مهرماه نیز امسال میزبان ۶۰ کودک است. کلاس‌های پیش‌دبستانی در شهریور ماه با تعداد محدود به صورت حضوری بازگشایی شد اما به دلیل موج جدید بیماری تصمیم گرفته شد تا بهبود شرایط دوره‌ها به صورت مجازی برگزار شود. برای بهبود بهره‌وری کلاس‌های مجازی، مادران کودکان تحت آموزش قرار گرفتند و برای آنها کلاس‌های درس نمادین برگزار شد و مفاهیم اولیه آموزشی

توسط مربیان به آنها توضیح داده شد تا بتوانند درخانه و با استفاده از گروه‌های تشکیل شده در برنامه غیرحضوری با همکاری مربیان امر آموزش را پیش ببرند. بسته‌های آموزشی شامل دفتر، کتاب کمک آموزشی، مداد رنگی، کاغذ رنگی، وسایل رنگ آمیزی و کاردستی و ... که برای بچه‌ها تهیه شده بود نیز به مادران تحویل داده شد و پس از آشنایی اولیه کلاس‌ها به صورت مجازی ادامه پیدا خواهد کرد.

در حوزه سوادآموزی نیز نزدیک به ۱۰۰ نفر از زنان مهروماه برای سال تحصیلی جدید ثبت‌نام کردند. زنانی که در کلاس اول ثبت‌نام شده بودند جلساتی را با تعداد محدود و به صورت حضوری در کلاس شرکت داشتند تا با مفاهیم اولیه آشنا شوند اما با شدت گرفتن دوباره بیماری، برای این گروه از سوادآموزان نیز کلاس‌ها به صورت غیرحضوری برگزار شد. در حال حاضر در کنار جلسات غیرحضوری جلسات محدود حضوری با تعداد بسیار کم سوادآموزان برای رفع اشکال تشکیل می‌شود. دو نفر از مربیان محلی نیز در کنار مسئول واحد سوادآموزی تدریس مجازی را انجام می‌دهند. همچنین با همکاری واحد مددکاری اجتماعی و روانشناسی کلیپ‌های یک دقیقه‌ای مهارت‌های زندگی برای زنان سوادآموز تولید شده تا از این طریق آموزش چندجانبه که هدف مهروماه است دنبال شود.

بخش کودکان بازمانده از تحصیل شاید تنها بخشی از موسسه است که هر سال امیدواریم با تعداد کمتری کودک آن را ادامه دهیم. با این وجود در دو سال گذشته با افزایش چشمگیر کودکان بازمانده از تحصیل روبه‌رو بوده‌ایم. امسال نیز نزدیک ۱۴۰ کودک به دلایل مختلف از جمله نداشتن اوراق هویتی و کبر سن قادر به تحصیل در



مدارس نبودند اما با تلاش و پیگیری‌های مددکاران اجتماعی موسسه برای تعدادی از آنها کارت حمایت تحصیلی گرفته شد اما در نهایت ۸۶ کودک با تمام تلاش‌ها نتوانستند در مدرسه ثبت‌نام کنند. کلاس‌های این کودکان نیز به صورت غیرحضورى برگزار می‌شود و در کنار آن دوره‌های رفع اشکال به صورت حضوری و با حداقل تعداد ممکن ادامه خواهد داشت.

ما در مهروماه وظیفه خود می‌دانیم تا زمانی که کودک، زن یا مردی در منطقه تمایل به تحصیل دارد اما امکان آن را پیدا نمی‌کند آموزش آنها را به عهده بگیریم با این حال باید هوشیار باشیم و این زنگ خطر بزرگ را به گوش آنانی که مسئولیتی در این حوزه دارند برسانیم. به امید آنکه ماه مهر برای هیچ کودکی ماه بد اخلاق نباشد.



## به روایت تصویر

۳۹

۱. حداقلی برای زندگی: با توجه به شیوع ویروس کرونا که باعث شد بسیاری از خانواده‌ها به لحاظ اقتصادی در وضعیت بدی قرار بگیرند مهروماه در سال ۹۹ علاوه بر خانواده‌هایی که تحت پوشش موسسه هستند، توزیع ارزاق و بن‌های تهیه اقلام را بین خانواده‌هایی که در سطح منطقه توسط مددکاران اجتماعی موسسه بررسی و شناسایی می‌شوند پیش گرفت. امیدواریم با تهیه این بسته‌ها سهمی در آرامش این خانواده‌ها داشته باشیم.





۲. سلامت دغدغه همیشگی: مهروماه به صورت منظم وضعیت سلامت و بهداشت کودکان را پیگیری می‌کند. به همین منظور در تابستان به همت داوطلبان موسسه سلامت مو و دندان کودکان بررسی شد و برای حفظ بهداشت، موهای برخی از کودکان کوتاه شد تا راحت‌تر بتوانند بهداشت آن را رعایت کنند. اقدامی چون: خمیردندان، مسواک، شامپو، محلول ضدعفونی‌کننده و دستکش یکبار مصرف بین کودکان توزیع شد و بروشورهای حاوی اطلاعات مراقبت در زمان کرونا و رعایت بهداشت فردی نیز در اختیار آنها قرار گرفت تا با رعایت این نکات، احتمال ابتلای کودکان و خانواده‌هایشان به کرونا و دیگر بیماری‌ها کاهش یابد.



۳. پایان شیرین یک دوره: زنان کلاس سوادآموزی در پایان سال تحصیلی کارنامه‌هایشان را دریافت کردند و هدایایی به رسم یادبود به آن‌ها اهدا شد. معلم نیز به شیوه‌ای ویژه نمرات را به زنان سوادآموز اعلام کرد.





۴. آغاز مسیر جدید: یک سال تلاش مریبان و کودکان پیش‌دبستانی مهروماه به ثمر نشست. در پایان هدایایی از سوی موسسه به کودکان پیش‌دبستانی اهدا شد تا این دوره با خاطره‌ای خوش برای کودکان به پایان برسد و برای ورود به مدرسه آماده شوند. در کنار این هدایا، بسته‌های ارزاق نیز به همه‌ی خانواده‌های کودکان از سوی موسسه اهدا شد. و در آخر یک کتاب بامن بخوان به والدین کودکان تقدیم شد تا کودکان را همراهی کنند.



۵. با تمام موانع ادامه می‌دهیم: کلاس‌های آموزشی «مهرچین» در جهت توانمندسازی زنان نان‌آور خانواده در مهروماه برگزار می‌شود؛ در این کلاس‌ها آشپزی و فروش مواد غذایی تولیدی مهرچین آموزش داده می‌شود. حتی کرونا نیز این زنان را ناامید نکرده است.





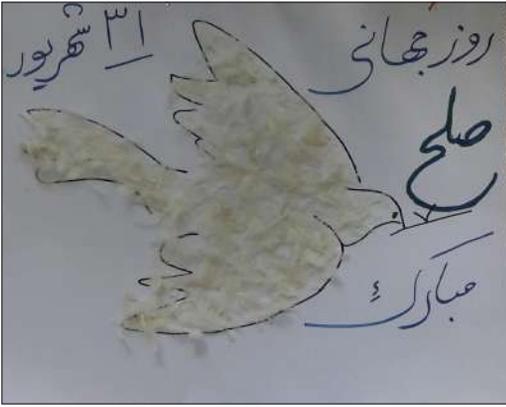
۶. کوله پشتی مهر: با همراهی شما در طرح کوله پشتی مهر توانستیم کوله بار کودکان را از مهرتان پر کنیم. پیش از شروع سال تحصیلی نوشت افزار و بن خرید کفش بین کودکان مهروماه توزیع شد تا سال تحصیلی جدید را با شوق آموختن آغاز کنند.



۷. مهارت آموزی برای آینده بهتر: مهارت آموزی از جمله برنامه های مهروماه با هدف توان افزایی در میان نوجوانان است. به همین منظور، آموزش نجاری در خانه فرهنگ مهروماه با رعایت پروتکل های بهداشتی برگزار شد.



۸. صلح را از کودکی بیاموزیم:  
به بهانه روز جهانی صلح کودکان مهروماه در کنار دوستانشان از صلح گفتند و نوشتند اینها تعدادی از نقاشی‌های کودکان از صلح است. با آرزوی روزی که کودکان دنیا هر صبح در صلح و آرامش چشم‌های کودکانه‌شان را به دنیا باز کنند.





۹. کرمانشاه را فراموش نکرده‌ایم: کودکان روستای قلعه بهادر کرمانشاه بعد از وقفه‌ای که به دلیل شیوع کرونا در فعالیت‌های خانگی کودک مهروماه ایجاد شد، دوباره با رعایت اصول بهداشتی و فاصله‌ی اجتماعی سر کلاس درس برگشتند تا اشکالات خود را رفع کنند و مروری بر درس‌هایشان شود.



۱۰. دستان هنرمند زنان بلوچ: زنان بلوچستانی کمر همت بسته‌اند و هنر خود را به کار گرفته‌اند تا کمکی باشند برای گذران زندگی و البته حضورشان در اجتماع. همراه آنها هستیم.

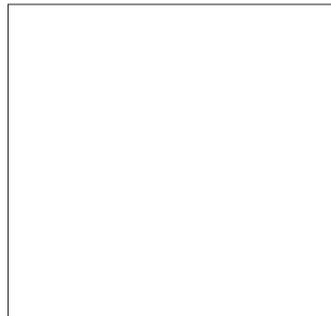
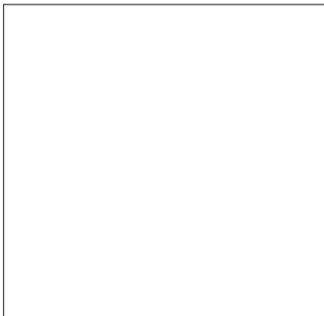




۱۱. خانه‌ای برای شکوفایی استعدادها: خانه فرهنگ مهرماه با رعایت پروتکل‌های بهداشتی، در طول تابستان برخی از کلاس‌های خود را با تعداد محدودی از کودکان از سر گرفت. کودکان بار دیگر خنده‌های شوق زندگی را به خانه مهرماه بازگرداندند.



۱۲. مهر زنان مهرماه: هر سال از طریق جشنواره‌های مختلف فرصتی ایجاد می‌شد تا کار دست زنان مهرماه معرفی شود. شرایط جدید در سال ۹۹ باعث این فرصت محدود شود اما تلاش کردیم با برگزاری جشنواره‌های مجازی ارتباط زنان مهرماه را با مخاطبان حفظ کنیم. توانایی این زنان در تولید محصولات و گسترش برند مهرسا حاصل خواستن آنهاست؛ خواستن دنیایی دیگر برای خود و فرزندانشان.



در کنار هم می‌توانیم:

فعالیت‌های مهرماه ممکن نیست جز با همراهی شما عزیزانی  
که همواره در کنار ما بوده‌اید. قدردان زحماتتان هستیم.



آینده از آن زنان و کودکانی خواهد بود که امید به فردا در دلشان زنده شده است.



۰۲۱-۲۲۳۸۲۶۶۵

۰۲۱-۲۲۳۸۵۲۶۴

تهران . اتوبان یادگار امام شمال . خیابان  
ایثارگران شمالی . خیابان امام زاده داوود  
کوچه عموی . پلاک ۴



mehromah.ngo

@mehromahngo

www.mehr-o-mah.com

mehromah.far@gmail.com